

۲۰۸۲۸۸۲۴

انتهای شمال، ابتدای غرب

حسن خضریان

سرشناسه : خضریان، حسین، ۱۳۶۴-

عنوان و نام پدیدآور : انتهای شمال، ابتدای غرب/حسین خضریان.

مشخصات نشر : تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۱۵۰ص: مصور.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۱-۲۸۵-۹

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

موضوع : خضریان، حسین، ۱۳۶۴- -- خاطرات

موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴

موضوع : Persian fiction -- 20th century

رده بندی کنگره : PIR۸۳۴۲

رده بندی دبی : ۶۲/۳۸۸

شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۵۱۸۹۹



مؤسسه آموزشی تالیفی ارشدان

انتهای شمال، ابتدای غرب

حسین خضریان

آموزشی تالیفی ارشدان

اول

اول ۱۳۹۸

www.irantypist.com

۹۷۸-۶۲۲-۲۵۱-۲۸۵-۹

۱۰۰۰

www.arshadan.com

www.arshadan.net

۰۲۱۴۷۶۲۵۵

۲۴۰۰۰ تومان

■ نام کتاب:

■ تألیف:

■ ناشر:

■ ویرایش:

■ نوبت چاپ:

■ حروفچینی و صفحه آرایی:

■ شابک:

■ شمارگان:

■ مرکز خرید آنلاین:

■ مرکز پخش و توزیع:

■ قیمت:

فهرست مطالب

۵.....	مقدمه
۹.....	تنها در سرزمین های شمالی
۱۳.....	برزایر وایکینگ ها
۱۹.....	ملا روتینگن، رویای شناور
۲۵.....	سهر بدون شب
۲۹.....	جزیره ییای اسباهی
۳۵.....	واسا رزمنای، اندک اندک
۴۱.....	تمام سوئد اینجا
۴۵.....	خداحافظ استکهلم
۴۹.....	به سوی پاریس
۵۳.....	نازیبایی های شهر
۵۹.....	موزه های به وسعت یک شهر
۶۵.....	فوق ستاره مغرور
۶۹.....	دارا و ندار
۷۵.....	آثار جنگ بزرگ
۷۹.....	شروع نا امید کننده
۸۵.....	تاریخ بشر زیر هرم شیشه ای
۹۳.....	برج هایی برای خراش دادن آسمان
۹۷.....	یک شام مفصل
۹۹.....	سفر در سفر
۱۰۵.....	قلب مقدس

- ۱۱۵..... ای برج سیاه پای در بند
- ۱۲۷..... احمق و احمق تر
- ۱۳۱..... در چنگ قانون
- ۱۳۵..... دنیای مردگان
- ۱۳۹..... خانه شوالیه‌های معبد
- ۱۴۳..... گوزپشت سوگوار
- ۱۴۷..... ندروم پاریس

مقدمه

اوایل تابستان سال ۱۳۹۶ بود که پاسپورتم رو همراه با برچسب ویزای سه ماهه شناسنامه از سفارت سوئد تحویل گرفتم. هر چند خیلی علاقه‌مند بودم که در این سفر خانوادم هم‌اوم باشن، اما بعد از تلاش‌های زیاد امکان گرفتن ویزا فراهم نشد. و در نهایت همینان پیدا کردم که شناسنامه سفر خاطره انگیز در کنار همسر و دختر بوجوایم رو از دست دادم. البته ناگفته نماند که من از اون دسته آدم‌هایی هستم که از تنهایی سفر کردن به اندازه مسافرت دسته جمعی لذت می‌برم. مثلاً گاهی پیش اومده که مجبور شدم برای مأموریت کاری به شهرستان برم و تنها باشم و یا حتی در جریان دانشجویی پیش اومده که هیچ همسفری پیدا نشده و بدون همراه سفر کردم و هنوز از این تنهایی‌ها آزردده نشدم.

اما اینبار داستان خیلی متفاوت بود. سفر به چین، هند و تایلند دور و متفاوتی اون هم برای اولین بار اصلاً با تجربه‌های قبلی که داشتم قابل مقایسه نیست. مدام در شک و تردید بودم که اصلاً رفتن به این سفر منطقی است یا نه. با خودم فکر می‌کردم اگر به وقت وسط مسافرت مریض یا مسموم بشم و تک‌تک و تنها بیفتم گوشه‌ای اتاق هتل، کی به دادم میرسه؟ یا مثلاً اگر مدارک و پول‌هام دزدیده بشن چه اتفاقی خواهد افتاد. هر چی که بیشتر به این قبیل احتمالات ناخوش‌آیند فکر می‌کردم، کمتر براشون جوابی منطقی پیدا می‌شد. نهایتاً راه‌حل‌هایی از این دو دلی و تردید رو پیدا کردم. راه‌کار خیلی ساده بود. فکر کردن به این‌جور

مسائل رو کلا فراموش کردم و کنار گذاشتم. همچنین تشویق‌های همسرم برای اینکه عزمم برای عزیمت به این سفر جزم بشه بسیار موثر بود.

به نظرم هیچ مرهمی بهتر از سفر وجود نداره که بتونه زخم‌های خنجر روزمرگی رو التیام بده و حال دل آدم رو بهتر از قبل بکنه و به قول سعدی انسان خام رو بپزه. و من در شرایطی بودم که به شدت به چنین سفری نیاز داشتم. خلاصه د حالی که حسابی هیجان زده بودم، شروع کردم به برنامه‌ریزی. باید زودتر پ. رهای ارزون قیمت رو انتخاب و هتل‌های مورد نظرم رو رزور می‌کردم. مسافرتی قرار نبردم. آژانس مسافرتی به این سفر برم پس باید خیلی دقیق فکر همه چیز می‌کردم. هر چند که سخت خواهد بود ولی به نظرم اون سفری که به قول برب سعدی «نتیج به پختگی میشه، قطعا سفر با تور مسافرتی آنچنانی، پرواز با ایرلاین کلاس تجاری، اقامت در هتل چندین ستاره و ترنسفر رایگان نبوده. همچنین در تقدم سفری که انسان رو با چالش‌های جدید و پیش-بینی نشده مواجه نکنه فقط برای تسکین اعصاب و استراحت خوبه نه برای پخته تر شدن، آموختن و کاملتر شدن و نه حتی برای فرار از روزمرگی.

اینکه آدم پول بده تا تمام برنامه ریزی ها رفت و آ. ها و دغدغه های سفر به دوش کس دیگه ای بیفته، مثل اینکه که یه دانشجو دل بده تا پایان‌نامه دانشگاهیش رو شخص دیگه‌ای برایش بنویسه. نه اینکه با به حال با تور و آژانس های مسافرتی سفر نرفته باشم، ناگزیر خیلی اوقات با همین کار رو کرد. اما حالا که فرصتی فراهم شده که در سفر تنها باشم و ترنسفر آسایش خانواده در طول سفر نیستم، ریسک میکنم و تمام کارها رو خودم بر عهده می‌گیرم. علاوه بر تمام دلایلی که شرح دادم، باید بگم که به هیچ وجه بودجه چند ده میلیونی برای سفر با تور و آژانس های مسافرتی رو ندارم.

در ابتدا تصمیم داشتم برای صرفه جویی در هزینه‌ها و با توجه به اینکه ویزا رو از سفارت سوئد گرفته بودم، فقط برم استکهلم و برگردم. اما از اونجایی که خیلی دوست داشتم پاریس رو هم ببینم و موقعیت هم فراهم بود، پاریس رو هم به برنامه اضافه کردم.

بالاخره سفر شروع شد سفری که نهایتاً فقط هفت روز طول کشید، هفت روز پر از اجرا. از لحظه‌ای که سوار اولین پرواز شدم، خاطراتم رو جسته و گریخته می‌نوشتم. شب‌ها توی هتل و یا هر وقتی که موقعیتی پیش می‌اومد اتفاقات جالب رو یادداشت می‌کردم و وقتی از سفر برگشتم شروع کردم به کامل کردن سفرنامه. هر چه بیشتر می‌فتم، بیشتر احساس کردم که احتمالاً خوندن ماجراهای این سفر می‌تونه برای خیلی‌ها، دیگه جالب باشه. بنابراین نهایتاً تصمیم گرفتم تا در به اشتراک گذاشتن خاطرات حساست نکنم و با چاپ این سفرنامه تجربیات جالبم رو با علاقه‌مندان به سفر و گردشگری به اشتراک بگذارم.

در پایان این مقدمه، تشکر میکنم از هم دوستان عزیزی که در تهیه این سفرنامه بنده رو یاری کردن. از جمله دوست خرابم آریا علیزاده که ویراستاری کردن متن این سفرنامه رو و سید مهدی آذیری عزیز که زحمت تدوین و ویرایش تصاویر رو بر عهده داشتن.

حامد نصریان

پاییز ۱۳۹۸